

باسمه تعالی

# مشاوره و نقل تجربیات موفق

## جلسه ی دوم

ویژه دوره تخصصی کلیات فعالیت در شجره طیبه صالحین

تهیه شده در: گروه محتوایی مرکز آموزش های مجازی بسیج

پاییز سال تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

## منابع مالی مربی و امام جماعت

طبق آموزه های قرآنی پیامبران به امتشان می گویند: «إِنْ أُجِرَى إِلَّا عَلَى اللَّهِ». یکی از زوایای نگاه قرآنی به مخاطبان و متربیان زیرمجموعه‌ی گزاره «إِنْ أُجِرَى إِلَّا عَلَى اللَّهِ» است. یعنی مربی توقعش از متربیان، از مردم و کسانی که سر و کار دارد این نیست که زندگی مادی او را تامین کنند؛ سؤالی که مطرح می‌شود آن است که پس این از کجا قرار است که معیشتش تامین شود؟ جواب: همان کسی که وظیفه تبلیغ و ترویج دین را بر دوش او گذاشته است - یعنی خالق این هستی - به او وعده داده است که تو در راه من گام بردار، زندگی مادی و معیشت تو بر عهده‌ی من است.

## شکل‌گیری حلقه‌های تربیتی

امام جماعت وقتی در مسجد موفق است که امام جماعت باشد، پیشرو باشد. اگر قرار است پیشرو باشد باید حضوری بیش از اوقات نماز در مسجد داشته باشد. به طور میانگین اگر امام جماعت بخواهد فقط در اوقات نماز در مسجد باشد، روزانه سه تا نیم ساعت کفایت می‌کند. ولی به این ترتیب امام جماعت نیست، فقط پیش‌نماز هست و نماز را برپا می‌کند. ولی اگر قرار است امامت بکند نسبت به مسائل تربیتی، نسبت به کسانی که در مسجد حضور دارند، باید شاید 2 یا 3 برابر اوقاتی که برای نماز جماعت وقت می‌گذارد، اوقاتی را در مسجد صرف امور تربیتی و امور کسانی که در مسجد هستند داشته باشد. طبعاً این حرکت منجر می‌شود به اینکه مردم می‌بینند که امام جماعت 1 ساعت 2 ساعت زودتر از نماز در مسجد حضور دارد. این دیدن باعث می‌شود عده‌ای بیایند نزدیک شوند، در جریان مذاکرات و حرف‌هایی که انجام می‌شود، احساس می‌کنند که بیش از برگزاری نماز می‌توانند از امام جماعت در ارتباط با معارف و فهم و درک قرآن و روایات استفاده‌های دیگری هم ببرند. خوب نزدیک می‌شوند و این جرقه‌ی اولیه‌ی هسته‌های تعلیم و تربیت را در مسجد می‌زند. به دنبالش انتقال یافتن این خبر به دیگران و افراد علاقمندتر را متوجه کردن به این مطلب و آنها را جمع کردن رخ می‌دهد. وقتی افراد جمع شدند، می‌توانیم برنامه‌های دقیق‌تر داشته باشیم - یعنی با تقسیم کردن افراد به لحاظ تعداد، سنین مختلف، اوقاتی که می‌توانند برای این کار صرف کنند. با تقسیم کردن آنها، برای هر کدامشان یک برنامه‌ای را متناسب با خود آنها تنظیم می‌کنیم.

من اولین جرقه‌ای که در مسجد بعد از قبول بحث امام جماعت زدم، در روز سوم یا چهارم بود که وقتی به مسجد آمدم دیدم که یک بچه 10 یا 12 ساله‌ای با پدرش مسجد آمده است. بلافاصله پس از این که نماز را خواندم بلند شدم، گفتم که این آقازاده چند سالش است؟ گفت فلان قدر. بعد من بلند گفتم احسنت، برای سلامتی ایشان صلوات. همان جرقه‌ای شد که بقیه هم کم‌کم بچه‌هایشان را آوردند. یعنی بقیه حس کردند که من از حضور نوجوانان در

مسجد استقبال می‌کنم. خیالشان راحت شد. مردم مذهبی از خدا می‌خواهند که بچه‌هایشان بیایند به مسجد که یک محیط امنی است، رفت و آمد داشته باشند. بعد کم کم در یک زمان کوتاهی -که به یکی یا 2 ماه هم نکشید- دیدیم که نوجوانان در سنین مختلف آمدند. بعد ما که دیدیم نوجوانان در سنین مختلف حضور پیدا کردند، از بعضی از دوستانی که سابقه کار تربیتی با نوجوانان داشتند دعوت به کار کردیم تا برای آن‌ها برنامه داشته باشند. خودم هم -به عنوان امام جماعت- برنامه ارتباط با عموم را داشتم. یعنی به نظر می‌رسد امام جماعت در این طور برنامه‌ها وظیفه‌اش بیشتر بذر پاشیدن است. بعد که افراد به سمت کسب معارف می‌آیند بر حسب میزان سن، تحصیلات، انگیزه‌هایی که وارد جمع‌ها شدند و از این قبیل طبقه‌بندی می‌شوند. بعد این گروه‌های طبقه‌بندی شده را به مربیانی که اطرافش هستند و می‌شناسدشان و قبلاً با آن‌ها کار کرده می‌سپارد و کار را شروع می‌کند. وقتی کار شروع شد، بین راه خودش، خودش را بازسازی و اصلاح می‌کند. احیاناً اگر نقاط ضعفی در کار باشد، خودش را نشان می‌دهند. ریزش هم خود به خود دارد، زیرا یک کار داوطلبانه است. یعنی یک عده از نوجوانان فقط در تابستان به مسجد مراجعه می‌کنند.

ویژگی مربیان آن است که با معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) فی الجمله آشنایی داشته باشند. چون ما قرار است انسان را تربیت کنیم، باید ابتدا انسان را بشناسیم و انسان‌شناسی جز از طریق شناخت قرآن و معارف آن ممکن نیست. بنابراین مربی به شدت اعتقاد به این داشته باشد که تنها راه تعلیم و تربیت این است که بچه‌ها را به قرآن و به نهج البلاغه نزدیک بکنیم. نه اینکه از خودمان بیاییم یک تزه‌ها و روش‌ها و برنامه‌هایی که از این و آن شنیدیم و یا از روانشناسان و جامعه‌شناسان شنیدیم روی بچه‌ها بخواهیم امتحان بکنیم.

#### آشنایی با جملات کلیدی قرآن

کاری که مربیان در مسجد ما انجام می‌دهند همین است که بچه‌ها را با جمله‌های کوتاه قرآن آشنا می‌کنند. براساس همان کلامی که از رهبر نقل کردیم ایشان تأکید بر این مطلب دارند که مفاهیم قرآنی را در ذهن بچه‌هایمان حک کنیم. رهبر معظم انقلاب در یک کلامی در تاریخ 71/12/17 این طور می‌فرمایند: «هدف‌تان انس عمومی مردم با قرآن به معنی صحیح و حقیقی کلمه باشد و ببینید که این مهم چگونه حاصل می‌شود. اگر فرض کنید کسانی قرآن را بخوانند ولی هیچ انسی با آن پیدا نکنند و قرآن خوانی، صرفاً به عنوان یک کار و شغل باشد، این مقصود شما را چندان برآورده نمی‌کند. آن کاری که در سطح عموم می‌کنید باید کاری باشد دلها با قرآن چفت شوند. دلها با قرآن بیگانه نباشند. مثلاً 10 سال دیگر باید اینگونه شود که وقتی بین 2 نوجوان در مدرسه راجع به مسئله‌ای صحبت می‌شود از قرآن مثال بیاورند. فرض بفرمایید راجع به ارث صحبت می‌شود «فَلِلَّذِكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ» (النساء؛ 176) را شاهد بیاورند. اگر گفته شود مثلاً چرا مردم در بوسنی می‌جنگند «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ

بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (الحَجّ؛ 39) شاهد قرآنی باشد. یعنی کاری کنید که مفاهیم قرآنی در ذهن مردم سرریز شود.» در یک جمله دیگری که در تاریخ 83/12/17 ایراد فرمودند می‌فرمایند: «شما به مسئله قرآن و دل مردم و ذهن مردم و اعتقاد مردم یک نگاه بلند مدت بکنید. ببینید اگر ما بخواهیم کاری کنیم که تا 20 سال دیگر جوان‌ها و کودکان و نوجوان‌هایی که رو به رشد هستند، دل‌هاشان با قرآن آشنا شوند، راهش چی است؟ اولاً مفاهیم قرآنی را درک کنند، ثانیاً اعتقاد و گرایش و شوق به قرآن در وجودشان پیدا شود. ممکن این کار راه ویژه‌ای داشته باشد، چیزی غیر از رسیدگی به برخی از مباحث علمی را لازم داشته باشد. ضمن اینکه مباحث علمی لازم است و باید دنبال شود. در همین زمینه بحث حک کردن مباحث قرآنی، به صورت خود آیه‌ها در ذهن‌ها مطرح می‌شود. مثلاً «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَیْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره، 286) یا «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهینَةً» (مدثر، 38) کاری بکنیم که خود جمله‌های قرآنی در ذهن نوجوانان حک شود.» بعد می‌گویند چطور می‌شود این کار را کرد. مثال می‌زنند، می‌فرمایند: «خیلی از مردم ما در جاهایی به این نکته تمسک می‌کنند که «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است.» چی شده که به این تمسک می‌کنند. چون حک شده است. پس اگر مفاهیم قرآن به این شکل در ذهن‌ها حک شود، کاربردی هم می‌شود. کانه آیه‌ی قرآن نازل شده که دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است.» حالا کاربردهای غلط و درست آن بحثی مجزاست. ولی چطوری یک ضرب‌المثل در ذهن مردم کاربردی می‌شود؟ اول حک می‌شود. یا مثلاً «همنشین تو از تو به باید» لازم است که ما مثلاً 2000 یا 5000 هزار مفهوم قرآنی را که می‌تواند سر مشق زندگی و سر مشق ذهن مردم باشد و آن‌ها را به استنتاجی برساند، جدا کنیم تا برای آنها کاربردی شود.»

دقیقاً تجربه این مسجد همین را می‌گوید. ما از اینجا شروع کردیم. ما از اول که احساس کردیم چند تا نوجوان اینجا حضور پیدا کرده‌اند. آمدیم از اول قرآن شروع کردیم از هر سوره‌ای یک جمله‌های کوتاهی - مثل آن چیزهایی که از رهبری نقل شد - انتخاب کردیم. فکر کنم که در مجموع هزار و چند صد جمله شد. دیدیم عجب، مردم علاقه مند به قرآن هستند و خودمان این پیش‌بینی را نمی‌کردیم که این اتفاق می‌افتد. به ذهن زده بود که یک راه برای اینکه ما بتوانیم کار قرآن را بین مردم فراگیر کنیم، این است که اول بیایم و از جمله‌های خاصی که آن جمله‌ها بیشتر با روزمره ما و حل مشکلات ما گره خورده است آغاز کنیم.

بعد از باب «يَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مَنْ اَتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده، 16) توبیا کنار قرآن خدای متعال به تو راه را نشان می‌دهد، کم به کم راه‌های بعد باز شد و قدم‌های بعدی مشخص گردید و الان در شرایط فعلی هستیم. ما در یک تابستان - شاید قریب 6 سال قبل - در طی 3 ماه این کار جمله‌ها و مفاهیم خاص قرآنی را برای یک جمع 6 نفره از نوجوانان دوم و سوم راهنمایی و اول دبیرستانی انجام دادیم. بعد خود این افراد علاقمند شدند که در ایام تحصیل کل ترجمه قرآن را کار کنند. یعنی وقتی یک دور جمله‌های کلیدی قرآن را کار کردند، حالا علاقمند به این هستند که



بیابند همه قرآن را کار کنند. عین همین کار در نهج البلاغه و در صحیفه‌ی سجادیه و در متون دیگر دینی قابل انجام است. ما فکر می‌کنیم که یک انسانی که خودش را برای ظهور دارد آماده می‌کند حداقل کاری که در باب شناخت و معرفت باید انجام بدهد آشنایی با این متون است.

#### تحصیل، تهذیب و ورزش

رهبر معظم در یک توصیه در باب تمرکز برنامه‌های جوان‌ها و نوجوان‌ها سه نکته را سفارش می‌کنند. «تحصیل، تهذیب و ورزش یا تفریح مناسب» دقیقاً این سه محور همیشه مورد توجه کامل و تام مربیان در این مسجد بوده است. احساس می‌شده که این سه ویژگی را باید داشته باشیم که کار پیش برود. اگر چنانچه می‌خواهیم در تهذیب موفق باشیم، باید در تحصیل و تفریح نیز به بچه‌ها برسیم. یعنی اگر هدف را هم تهذیب گذاشتیم - که باید این کار را بکنیم - سازوکارهای تهذیب را باید فراهم کنیم. یکی از سازوکارهای تهذیب این است که بچه‌ها به لحاظ جسمانی، از جسم سالم و قوی برخوردار باشند. به بحث تغذیه بچه‌ها توجه بکنیم. حداقل به صورت سفارش به خانواده‌هایشان. ما در مسجد می‌خواهیم چه کسانی را تربیت کنیم؟ می‌خواهیم یک انسان‌هایی تربیت کنیم که در آینده مدیران جامعه اسلامی باشند. مدیران جامعه اسلامی، فقط کافی نیست که اهل نماز شب خواندن باشند. مدیران جامعه اسلامی فقط کافی نیست که ظواهر اسلامی را رعایت کنند. اگر لازم است که از اعتقادات قوی برخوردار باشند لازمی آن اعتقادات قوی، تعهد نسبت به اجتماعاتشان است. اگر من نسبت به جامعه‌ام تعهد داشته باشم، باید از کنار نیازمندی‌هایی که در جامعه وجود دارد، بی تفاوت رد نشوم. این نوجوان قرار است در آینده نسبت به این جامعه مسئولیتی بر عهده بگیرد. در هر موقعیت و در هر جایگاه و پستی می‌خواهد قرار بگیرد باید بتواند در آن پست کارآمد باشد. لازمی کارآمدی این است که خوب درس بخواند. مطالعات علمی‌اش قوی باشد. حالا در هر جایگاهی می‌خواهد باشد دولتی و غیر دولتی هر جا باشد.

لذا طبق برنامه‌ریزی که مربیان ما دارند، غالب دوستانی که در اینجا هستند باید در وضعیت بهترین‌های آموزش‌گاه‌های خودشان باشند. نه اینکه درس‌هایشان را «هم» بخوانند، نه خوب درس بخوانند و همیشه بهترین باشند.

در بخش اردوها مربیان مسجد حضور دارند لذا این اردوها توأم با آموزش عملی آداب و سنن دینی به مربیان در حالات مختلف زندگی.

یکی از نکته‌های بسیار مهم که ما به شدت به آن اعتقاد داریم، این است که برنامه‌ریزی برای تقویت قدرت بدنی مربیان و بچه‌های مسجد به عنوان یک کار فانتزی صرفاً تفریحی و فقط برای جذب جوان‌ها به مسجد نباشد. جزء

برنامه ماست «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (بقره، 63) فرمود آنچه را که ما به شما دادیم با قوت بگیرید. از معصوم سوال کردند آیا منظور قوت قلوب است، فرمودند نه، قوت قلوب و ابدان هر دو با همدیگر.

#### ایتاء الزکات در مسجد

وقتی ما آمدیم محور برنامه‌های مان و خصوصا برنامه‌های معرفتی مان را بر اساس انس با قرآن و روایات گذاشتیم و نگاه مان به قرآن و روایات، نگاه به کتاب زندگی بود نه فقط کتاب تحصیل و کتاب تعلیم- که چیزی یاد بگیریم و توی ذهنمان حک کنیم و برویم سخنرانی بکنیم- آن‌ها را کتاب عمل، کتاب آیین عبور سالم از این گذرگاه دنیا دانستیم، دیگر ما نمی توانیم از کنار درس‌ها و معارف و پیام‌هایی که از آیات قرآن می‌گیریم در حد حفظ کردن یک سری جملات رد شویم.

مکرر در قرآن می بینیم که «ایتاء زکات» آمده است. ده‌ها مرتبه خدای متعال با کلمات مختلف و فعل‌های ماضی و مضارع از ما «ایتاء زکات» خواسته است. نفرموده اعطاء زکات، بلکه فرموده «ایتاء زکات». یعنی دهنده، زکات را برای مددجو ببرد. اولین کاری که در این روش انفاق‌گری اتفاق می افتد، اعتنا کردن و احترام کردن به شخصیت مددجو است. او می بیند که برایش پول را آورده‌اند، خیلی فرق دارد تا اینکه خودش به امدادگر مراجعه کند و تقاضای کمک بکند. زمانی که او مراجعه می‌کند اولین کاری که اتفاق می افتد ضایع شدن شخصیتش و خرد شدن عزت و آبرویش است. ما گفتیم «ایتاء زکات» در راستای «اقامه الصلوه» باشد. یعنی ما درصدد رفع موانعی هستیم که نمی گذارد دل مردم به خدای متعال گره بخورد. یکی از این موانع خلاءهای اقتصادی است که «من لامعاش له لامعاد له». حالا ما که می خواهیم این خلاء اقتصادی را پر کنیم نباید به گونه‌ای پر بکنیم که نقض غرض بشود. خیلی وقتها این خلاءهای اقتصادی به وسیله خیریه‌ها پر می‌شود، اما به گونه‌ای که نقض غرض می‌شود. یعنی دل این بنده خدا با خدا گره نمی‌خورد بلکه دلش با این خیریه گره می‌خورد.

ضمن این‌که در «ایتاء زکات» بخش قابل توجهی از این خدمات به مورد مناسب خودش می‌رسد. چون وقتی امدادگر برود مددجوی واقعی را پیدا کند، کمتر اتفاق می‌افتد که در پیدا کردن مدد جو سرش کلاه رود. اما اگر کسی که می‌خواهد کمک را دریافت کند به سراغ امدادگر برود، امکان اینکه سر کسی که می‌خواهد کمک کند کلاه برود هست. چون ممکن است که برخی با صحنه‌سازی و شیوه‌های مختلف، کسی که می‌خواهد کمک کند را گول بزنند.

علاوه بر آن‌که خود ما به دنبال شناسایی افرادی که به کمک نیاز دارند و رساندن انفاق به آن‌ها هستیم. محل و فضای مسجد و فضای کاری به گونه‌ای است که بعضی از افراد به صورت تکدی‌گری مراجعه می‌کنند- چون متأسفانه قبح تکدی‌گری تا حد زیادی ریخته است- از طرفی ما نمی توانیم از کنار ابراز درد افرادی که برای دریافت کمک مراجعه می‌کنند بی تفاوت بگذریم و از طرف دیگر می‌دانیم که از بین این چند نفری که رجوع می‌کنند، همه

مستمند واقعی نیستند. لذا یکی از کارهایی می‌کنیم این است که اینها را تشویق به کار می‌کنیم. می‌گوییم خودت کار کن. مثلاً اگر سبزی پاک کنی، ما به شما - به ازاء هر کیلو 500 تومان - اجرت می‌دهیم. وقتی سبزی‌ها را پاک می‌کند و بسته بندی می‌کند و می‌آورد ما از مردم درخواست می‌کنیم که از او سبزی بخرند. بعد از دو سه هفته که این روال ادامه پیدا کند و ما بفهمیم که اهل کار است و در ارتباطی که با مردم برقرار می‌کند معلوم می‌شود که انسان به واقع نیازمندی است و انسان سالمی است، زمینه کار مناسب در این اطراف برایش فراهم می‌کنیم.

ارتباط متریان مسجد با خانواده

از آنجا که وقتی انسان بر محور قرآن کار کند ضلالت و گمراهی ندارد، در این زمینه هم قرآن به راحتی ما را هدایت می‌کند. از اولین روزهایی که نیروها وارد مسجد می‌شوند، خانواده‌ها احساس می‌کنند که این بچه‌ها پدر و مادردارتر شده‌اند و اطاعتشان از پدر و مادر بیشتر شده است. چرا که مربی‌ای که با آموزه‌های قرآنی با متریان کار تربیتی انجام می‌دهد، به هیچ وجه خودش را جایگزین پدر و مادر نمی‌کند. معتقد است قوی‌ترین ارتباط عاطفی نیروهای همان ارتباطی است که آنها با پدر و مادر دارند و چنانچه این ارتباط طبیعی و عاطفی فطری تقویت بشود، او در رساندن پیام‌های دینی به بچه‌ها موفق‌تر است. بنابراین به جای این که بچه‌ها را به خودش علاقه‌مند کند - به جای پدر و مادر - سعی می‌کند با جمله‌های خاص که از قرآن و روایات در مورد انس و احترام به پدر و مادر وجود دارد بچه‌ها را بشدت با پدر و مادر مرتبط کند. خیلی از پدر و مادرها بعد از این که بچه‌هایشان به مسجد می‌آمدند به دلیل دیدن تغییر محسوس رفتار بچه‌هایشان نسبت به خودشان، خودشان جذب مسجد می‌شوند.